

## نگرشی تطبیقی به قرآن و انجیل

علی رضا عقیلی

در باور توحیدی ادیان ابراهیمی، مبدأ هستی ذات یگانه ای است که دارای همه کمالات است و بر اساس حکمت خویش ادیان را به بشر هدیه داده است، تا به صورت عقل منفصل، تکمیل کننده اندیشه ها و دریافتهای عقلی و علمی آنان باشد. این بینش بنیادین می طلبد که ادیان ابراهیمی را در اصول و معارف و باورها همسو و همسان و مؤید یکدیگر بدانیم، زیرا اصول، نظر به واقعیتها و بنیادهای پایدار هستی دارند و از این رو آنها نیز پایدار و بی تزلزل اند.

توضیح این که مبدأ هستی، یا یگانه و غنی است و یا چندگانه و قائم به غیر. انسان یا مکلف است و مسؤول، و یا موجودی رها و بی تکلیف، معاد یا حقیقتی است قطعی و یا... هر فرض را که بپذیریم، پایدار و تغییر ناپذیر خواهد بود.

به هر حال لازمه این نگرش، هماهنگی ادیان آسمانی و همسویی آنان - دست کم - در میدان باورهای اصولی است و ما در این مختصر برآنیم تا بخشی از این هماهنگی ها را بنمایانیم و در پرتو آن، نشان دهیم که نقطه های افتراق چگونه بر تورات و انجیل تحمیل شده است و البته ما این تحقیق را بر پایه آرای قرآن کریم انجام خواهیم داد.

### کتاب مقدس

(همه کتبی که به نظر کلیسای مسیحی مقدس شمرده می شوند، (کتاب مقدس) را تشکیل می دهند. خود (کتاب مقدس) به دو بخش تقسیم می شود: وصایای قدیم و وصایای جدید و قسمت اخیر با چهار انجیل شروع می شود.

این بخش علاوه بر انجیلها شامل کتاب (اعمال رسولان) و چندین رساله دیگر است که آنها نیز به (رسولان) منسوبند و سرانجام به رساله (مکاشفه یوحنا) یا (آپوکالیپس) ختم می شود.)<sup>۱</sup>

قسمت اول - عهد قدیم - با دو حرف **O . t** به شکل اختصاری نوشته می شود و قسمت دوم - عهد جدید - با دو حرف **m . i** خلاصه می شود.

عهد قدیم معروف، حاوی سی و شش کتاب و رساله است، مسیحیان نگارش آنها را به پیغمبران یهودی از دوران حضرت موسی(ع) تا زمان حضرت عیسی(ع) نسبت داده اند. عهد جدیدی که مسیحیان معروف جهان آن را باور دارند، دارای بیست و هفت کتاب یا نامه مختصر است و مسیحیان نگارش قسمتی از آنها را به شاگردان حضرت عیسی و قسمت دیگر را به رهبران دوره های اول مسیحیت استناد می دهند.

از یک نظر عهد جدید را نیز به دو بخش تقسیم کرده اند:

اول: اسفار تاریخی: متی، مرقس (مرقس)، لوقا (لوقا)، یوحنا و کردار پیغمبران (اعمال الرسل).

دوم: علمی. قسمت دیگر عهد جدید، نامه های پیشوایان صدر مسیحیت است و از آن رو که احکام قسمتی از عقاید مسیحیان در آنها ذکر شده، اسفار یا فصول علمی اش می نامند که عبارت باشد از نامه های پولس بنیانگذار مسیحیت امروز جهان.<sup>۲</sup>

(... کلیسای مسیحی مجموعه رسالات کتاب مقدس (میثاق قدیم و جدید) را (بیبل) می نامد که از کلمه یونانی (بیبلوس) به معنی (کتاب) گرفته شده است. (بیبل) حاوی معتقدات و اصول مذهبی مسیحیان است که (کانن) نامیده می شود. (کانن) در زبان یونانی به معنای مقیاس است و از این نظر (بیبل) را می توان ترازوی معتقدات مسیحیان دانست...)<sup>۳</sup>

بنابراین کتاب مقدسی که نزد مسیحیان وجود دارد از عهد قدیم و عهد جدید تشکیل یافته است که عهد قدیم شامل تورات و برخی رساله های گوناگون است، و عهد جدید که مشتمل بر اناجیل چهارگانه: متی، مرقس، لوقا، یوحنا و کتاب اعمال رسولان و نامه های متعدد و مکاشفه یوحنا است. و محور کوشش این نوشتار همین عهد جدید، بویژه اناجیل چهارگانه مسیحیان است.

#### سازمان مسیحیت

(مسیحیت به سه فرقه بزرگ: کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان تقسیم شده اند. مهم ترین فرقه موجود مسیحی فرقه کاتولیک است و سپس فرقه های ارتدوکس و پروتستان اند. غیر از این سه مذهب بزرگ، مذاهب دیگری در دامان مسیحیت پدیدار شدند که شمار آنها به یکصد و پنجاه فرق ه و مذهب می رسد. امروزه بزرگ ترین (به لحاظ کمیت نه کیفیت) مذهب مسیحی مذهب کاتولیک است که پاپ پیشوای آن است.)<sup>۴</sup>

(... امروز در حدود سیصد و شصت فرقه در مسیحیت وجود دارد که هریک دارای عقاید خاصی هستند و نسبت به یکدیگر تعصب دشمنانه دارند)<sup>۵</sup>

#### مناسک و شعائر اصلی دین مسیح

۱. تعمید: (بپتیزم) که عبارت از غسل و شست و شوی مقدس است ۶ به عنوان تطهیر از گناه که ما آن را آب توبه می نامیم. این عمل برای آمادگی فرد مسیحی جهت شرف و دخول به ملکوت خدایی انجام می شود.

۲. عشای ربانی: مهم ترین مناسک و شعائر دین مسیح است. این رسم که عبارت است از خوردن نان و آشامیدن شراب، به یاد زنده کردن پیمان خود با عیسی مسیح انجام می شود. و منشأ آن گویا همان خوردن نان و شرابی است که او در آخرین شب زندگی خود با حواریون انجام داد. این رس م هر یکشنبه میان مسیحیان اجرا می شود، ولی بعدها اجرای آن در هر هفته تعطیل شد و اکنون هر سال یک بار انجام می گیرد.

۳. آئین و مراسم ورود نوبالغان به جرگه مسیحیان و عضویت در کلیسا است. مطابق این آئین، نوبالغان نزد کشیش محل می روند و طلب آموزش می کنند و ایمان و پیمان خود را نسبت به مسیح و تعالیم او تحکیم می نمایند و در نتیجه حق شرکت در مراسم عشای ربانی می یابند.<sup>۷</sup>

۴. اعتراف به گناه و اظهار توبه و استغفار از گناهان بدین معنی که بر هر مسیحی اعتراف به گناه نزد کشیش واجب است. (این آئین در میان پروتستانها مرسوم نیست). ۸.

۵. آئین ازدواج و مراسم عقد نکاح که باید با مقررات و تشریفات کلیسا انجام شود.

۶. تدهین: تشریفات است که کشیش با دعاها و ویژه و با روغن زیتون مقدس، شخص محضر را آماده زندگی اخروی می سازد.

۷. اعتقاد به سلسله مراتب و درجات روحانیان مسیحی و احترام به مقامات روحانیان، از پاپ تا کشیشان ساده محلی، از ضروریات دین مسیح است. ۹.

یکی از پژوهشگران در باره این مراسم اعتراف می نویسد:

(... در سال ۱۳۵۴ شمسی در سفری به ایتالیا و توفقی سه روزه در رم به کلیسای سنت پترز رفتیم... در داخل کلیسا وضعی را مشاهده نمودم که مبین خرید گناهان از سوی مقامات روحانی کلیسا بود... در تالار اصلی کلیسا مؤمنان در برابر کشیشهای گوناگون زانو زده و اعتراف می کردند. در این موقع پیرمردی همراه همسر پیرش با عجله و شتاب به سوی کیوکس رفتند. گناهکاران در دو طرف کشیش قرار گرفته. برای این که شرم و حیا مانع اعتراف به گناهان نشود پرده ای آویخته شد و اعتراف شروع شد اما بسیار آهسته که دیگران نشوند. اندکی بعد پیرمرد و همسرش خوشحال و خندان! خارج شدند: آنان ورقه ورود به بهشت را در دست داشتند). ۱۰

#### شمار واقعی انجیلها

آقای عبدالأحد (مسیحی مسلمان شده) در کتاب خود (الانجیل و الصلیب) می نویسد:

(در کنفرانس نیکیه (نیقیه ۳۲۵ میلادی) جمعیتهای زیادی از اقطار مختلف گرد آمده، بیش از دوهزار نماینده روحانی بودند و با خود دهها انجیل و صدها نامه مذهبی جهت بررسی آورده بودند. انتخاب این چهار انجیل از میان بیش از چهار انجیل صورت گرفت. و انتخاب بیست و یک نامه جدید از میان نامه های غیرقابل شمارش انجام یافت... و تصمیم بر این گرفته شد که کتابهای موجود در عهد جدید پذیرفته و بقیه کتابها مردود شمرده شده همه سوزانده شوند). ۱۱.

یکی دیگر از پژوهشگران می نویسد:

(... بعضی از آنها (انجیلهای نادرست) کاملاً محفوظ مانده اند، مانند انجیل سن توماس، انجیل سن ژاک و دو انجیل فیکورم. از بعضی دیگر فقط قسمتهایی در دست است و بالأخره از برخی نیز فقط عنوانی مانده که در کتابهای هم عصرشان اشاره ای به نامشان شده است.

در اینجا اسامی انجیلهایی را که از آنها قسمتهایی باقی است و انجیلهایی که فقط عنوانشان مانده است ذکر می کنیم: انجیل مصریان، انجیل ابدی، انجیل آندره، انجیل آپل، انجیل اثنی عشر، انجیل برنابه، انجیل بارتلمی، انجیل بازیلید، انجیل سرن، انجیل حوا، انجیل عبریان، انجیل مانوی ها، انجیل ماریون، انجیل تکامل، انجیل فیلیپ، انجیل پطرس، انجیل تاتین، انجیل ولانتن، انجیل سوری ها، انجیل صباوت و... ۱۲)

و اما انگیزه سبب انتخاب این چهار انجیل (متی، لوقا، یوحنا، مرقس) از بین سایر انجیلها و بررسی آن خود مجال دیگری را می طلبد که پرداختن به آن از حوصله این نوشتار بیرون است و به نقل فرازی در این باب به اختصار بسنده می کنیم:

(... اختلافات مذهبی به انتها درجه رسیده، کتابهای مقدس از حد شمارش بیرون شده، پادشاه بت پرستی به نام قسطنطین مسیحی شده می خواهد مسیحیان را براساس نقشه سیاسی روی یک عقیده و یک سنخ (کتابهای مقدس) متحد سازد. کنفرانسی در نیکیه در سال ۳۲۵ تشکیل داد، با اکثریت آراء عقائدی تصویب گردید و کتابهای موجود در عهد جدید به رسمیت شناخته شد، بقیه غیرقانونی اعلام شد.) ۱۳

(لفظ انجیل از یونانی گرفته شده و چنانچه تولستو در اول انجیل خود شرح می دهد. کلمه انجیل از ایو **ev** و انگلیون است که ایو به معنای خوب و نگلیون به معنای خبر است. روی هم رفته دو کلمه به معنای خبر خوش یعنی مژده و بشارت می شود.)

انجیلهای چهارگانه (متی، مرقس، لوقا، یوحنا)

ولیم ادی مفسر انجیل در تفسیر خود می نویسد:

(مسیح، مسلماً هیچ یک از این کتابها را ننوشته، لکن او تاریخ زندگانی است که همه آن را می خوانیم. در ابتدای عهد جدید، زبان به زبان فرا گرفته می شد و هیچ یک از این کتابها تا بیست سال بعد از صعود مسیح نوشته نشد، و انجیل چهارم را یوحنا پس از گذشت پنجاه سال از عروج مسیح نوشت.) ۱۴

(جان ناس) نیز در کتاب خود (جامع الادیان) می نویسد:

(چیزی که مسلم است، مسیح(ع) تعالیم خود را ننوشته، بلکه به شاگردان خود اعتماد کرده به آنها دستور داده تا در نقاط مختلف جهان منتشر شوند، چیزهایی را که از ایشان فرا گرفته اند به مردم یاد دهند.) ۱۵

نکته ای را که محققان و ارباب کلیسا بر آن اتفاق دارند این است که انجیلهای کنونی نه انشاء حضرت مسیح(ع) و نه املاء ایشان است، بلکه یک سلسله مطالبی است که پس از صعود آن پیامبر الهی به رشته تحریر درآمده است. سخن در درستی انتساب این اناجیل به صاحبان آنها است که به برخی از نظریه هایی که در این زمینه از سوی محققان و وابستگان به کلیسا ابراز شده، اشاره می شود.

نظریه کلیسا

(... کلیسا نویسندگان انجیل را حواریون و نزدیکان آنها معرفی می کند و این اعتقاد را تبلیغ می نماید که مؤلف واقعی همه این رسالات خداوند است که بوسیله روح خود (روح القدس) کلام الهی را به تنظیم کنندگان و محررین القاء کرده است.) ۱۶

(... چهار کتاب اول عهد جدید، (انجیل) نامیده می شوند که به زبان یونانی به معنی مزده یا خبر خوش می باشد. این کتابها به وسیله چهار نویسنده مختلف نوشته شده اند و هر کدام، خود کتاب جداگانه ای در مورد زندگی و تعلیمات عیسی مسیح(ع) می باشد... مسیحیان آنها را کلام خدا می دانند و معتقدند خدا به وسیله روح خود طوری این نویسندگان را هدایت کرد که نوشتجات آنها کاملاً صحیح است!) ۱۷

(مسیحیت امروز (معروف) جهان به قدسیت کتاب مقدس اعتراف دارد و محتویات آن را دستورات خدایی که توسط روح القدس به نگارندگان آن الهام شده می پندارند.) ۱۸  
نظریه برخی از محققان

بسیاری از پژوهشگران در درستی انتساب اناجیل به کسانی که منتسب شده: (لوقا، مرقس، یوحنا، متی) تردید کرده اند. بلکه برخی پا را فراتر نهاده و با استناد به تناقضی که در بیان آنها با یکدیگر دیده می شود، محتویات آنها را گرد آمده از افرادی ناشناخته دانسته اند که زیر لوای نام افراد موجه نزد مسیحیان به نشر آن پرداخته اند و با این وسیله به نشر افکار پیش ساخته خویش مبادرت ورزیده اند.

(... روحانیون و رهبران کلیسا برای معتبر ساختن روایات خود از یک سنت کتاب مقدس پیروی کرده و این رسالات را به نام شخصیت‌های مورد احترام مردم تدوین نمودند، بدون آن که کوچک ترین ارتباطی بین مؤلفین واقعی و این شخصیت ها وجود داشته باشد... بنابر تحقیقاتی که اغلب، مس تقیم یا غیرمستقیم مورد تأیید کلیسا است، مؤلف هیچ یک از مقالات کتاب مقدس به قطعیت شناخته نشده و همه نامهایی که برای آنها برگزیده اند فرضی و سمبلیک است.) ۱۹  
آقای (کارل کائوتسکی) نیز چنین بیان می دارد:

(امروزه مسلم است که به استثناء اقلیت کوچکی از نوشته های مسیحیت اولیه، بقیه هیچ کدام توسط نویسندگانی که این آثار به آنها منسوب است نوشته نشده اند، و اغلب در تاریخی دیرتر از آنچه که معمولاً ادعا شده به تحریر درآمده اند، و متون اصلی در بسیاری از موارد از طری ق ملحقات و تجدید نظرهای بعدی بطور بی شرمانه ای تحریف شده اند، و بالاخره اینکه امروزه مسجل است که انجیلها و هیچ یک از آثار مسیحیت اولیه توسط یکی از هم عصران مسیح نوشته نشده است.) ۲۰  
حکیم روسی موسوم به (تاره اف) نیز که استاد آکادمی مذهبی مسکو بوده است، در کتاب خود با نام (فلسفه تاریخ انجیلی) که در ۱۹۰۳ منتشر شده، چنین می نویسد:

(انجیلها نه تاریخ اند و نه سند تاریخی. حتی آنها را سالنامه نیز نمی توان به حساب آورد.) ۲۱  
برخی دامنه تردید خویش را تا وجود عیسی(ع) کشانده و در اصل موجودیت تاریخی آن پیامبر عظیم الشان تشکیک کرده اند:

(... باری حتی یک منبع تاریخی قابل ارزش نیست که وجود عیسی مسیح(ع) را تأیید کند.) ۲۲  
واکنون شایسته است پیشینه تاریخی انجیلهای موجود را نیز یادآور شویم:

(نسخ خطی کتاب عهد جدید که در دست است، بسیار قدیمی تر از عهد قدیم است. قدیمی ترین نسخه آن مربوط به قرن چهارم، در واتیکان محفوظ است. قدیمی ترین ترجمه، مربوط به پایان قرن

دوم میلادی است و آن ترجمه به زبان آرامی است که در سوریه سخن می گفتند و عنوان آن ترجمه ساده است. دو ترجمه قبطی مربوط به قرن سوم و چهارم است. دیگر ترجمه لاتین است که در حدود سال چهارصد پایان یافت. (۲۳)

(... تنها چیزی که در این قسمت مورد اعتماد محققان مسیحی قرار گرفته نوشته های لاتینی است که آقای تراتوری در سال ۱۷۴۰ میلادی اکتشاف کرد. متخصصین احتمال داده اند نگارش آن شاید سال ۱۸۰ میلادی باشد. در این اوراق کشف شده، نوشته های عهد جدید به نویسندگان معروف فعلی آن نسبت داده شده است. (۲۴)

تنها مدرکی که مسیحیان در استناد نوشته ها دارند، به اعتراف خودشان سه نسخه خطی زیر است: اول. نسخه خطی واتیکان که در کتابخانه پاپ دوم موجود بوده است و متخصصان، تاریخ نگارش آن را قرن چهارم میلادی تشخیص داده بودند.

دوم. نسخه سینائی که زمانی در کتابخانه لنین گراد بوده و احتمال قوی می دادند که در قرن چهارم میلادی نگارش یافته باشد و بعضی ها حدس می زنند این همان نسخه ای است که دکتر تیشندرف آلمانی در ست کاترین اکتشاف کرده و به کتابخانه لنین گراد روسیه فرستاده است.

سوم. نسخه اسکندریه که در خزانه انگلستان موجود است ۲۵ و تاریخ نگارش آن، سال پانصد میلادی تخمین زده شده است. (۲۶)

بجاست در این قسمت به نقل بخشی از مناظره حضرت رضا(ع) با یکی از دانشمندان مسیحی پردازیم:

(... وقتی حضرت عیسی(ع) از میان مسیحیان رفت و انجیل حضرت مفقود گردید، نصاری به نزد علمای خود آمدند و گفتند ما چه کنیم و چاره ما چیست؟ عیسی به قتل رسید! تنها انجیلی که از وی به یادگار مانده بود مفقود گردید، شما علمای ما هستید چاره ای بیاندیشید و تکلیف ما را روشن سازید. لوقا و مرقس در جواب گفتند: انجیل و کتاب عیسی در سینه های ماست و ما هر چند یک بار یک (سفر) از آن را به شما می دهیم. شما از این جهت ناراحت نباشید. کنیسه ها را خالی نگذارید. هر وقت نوشتیم به اطلاع شما رسانده و برای شما تلاوت می کنیم. لوقا، مرقس، یوحنا و متی نشستند و این انجیل های فعلی را برای شما تدوین نمودند، در حالی که این چهار نفر، شاگردان شاگردان پیشینیان بودند و شاگردان بلافصل خود حضرت عیسی نبودند... (۲۷)

این بود پاره ای از نظریه های گوناگون در مورد انجیلها. ولی نقد و بررسی در مورد آنها مجال گسترده تر می طلبد.

#### باورهای مشترک قرآن و عهد جدید

اکنون پس از آگاهی به آنچه گذشت، همانها را مقدمه ای ساخته و به نقطه اصلی بحث که دستیابی به باورهای مشترک بین قرآن کریم و عهد جدید است می پردازیم. گسترش دامنه بحث تطبیقی و مقایسه ای از اناجیل به تمام عهد جدید (اناجیل اربعه، کتاب اعمال رسولان، نامه ه ای پولس، رساله پطرس و مکاشفه یوحنا) به لحاظ آن است که اولاً، آنها نیز مانند انجیلهای چهارگانه نزد مسیحیان

معتبرند. و ثانیاً، اناجیل اربعه از مختصات مسیحیان هستند. به خلاف سایر قسمت‌های کتاب مقدس (تورات و...) که از شرایع قبلی به ارث رسیده اند.

بی مناسبت نیست که اشاره کوتاهی نیز به نسبت انجیلها با یکدیگر داشته باشیم، هر چند در ادامه بحث تطبیقی موارد مشترک و متناقض بین اناجیل نیز آشکار خواهد شد. (کری ولف) در این باره می نویسد:

(۵۲٪) از آنچه در انجیل منسوب به متی نقل شده مشابه با چیزهایی است که در سایر انجیلها نوشته شده است، و ۴۸٪ بقیه اصلاً در انجیلهای دیگر وجود ندارد. در انجیل منسوب به مرقس ۷٪ اطلاعات با اطلاعات منقول در سایر انجیلها تطبیق نمی کند. این نسبت در انجیل منسوب به لوقا به ۵۹٪ می رسد. بالاخره انجیل منسوب به یوحنا تقریباً اختلاف کمی با سایر انجیلها دارد و فقط ۸٪ از محتویات آن یادآور مطالبی است که در سایر انجیلها آمده است... (۲۸)

نیز دکتر بوکای در این زمینه بر این باور است که آیات مشترک بین سه انجیل (جامع) ۳۳۰ آیه بوده، مشترکات میان مرقس و متی ۱۷۸ آیه بوده و قدر مشترک میان مرقس و لوقا ۱۰۰ آیه و اشتراک میان متی و لوقا ۲۳۰ آیه است و شمار آیات مخصوص هر یک از این سه انجیل بدین شرح است :

متی ۳۳۰ آیه، مرقس ۵۳ آیه و لوقا ۵۰۰ آیه... ۲۹

لازم به یادآوری است که نگاه تطبیقی ما در قالب عناوین موضوعی (یکتا پرستی، عیسی(ع)، روز جزا...) است که یکی را پس از دیگری مطرح نموده و به نقل جلوه های مشترک بین قرآن کریم و عهد جدید پرداخته و مطالبی را در این زمینه یادآور می شویم:

#### یکتا پرستی

شالوده و اصل بنیادین دستورات قرآن کریم، توحید و یکتا پرستی است، چنانکه در جای جای قرآن کریم تأکید بر این اصل اساسی و محوری دیده می شود:

الف: (قل هو الله احد... ولم یکن له کفواً احد) اخلاص / ۱ و ۴

ب: (وقضی ربک الاتعبدوا إلاّ اياه... ) اسراء / ۲۳

و بسیاری آیات دیگر.

در انجیل و سایر بخشهای عهد جدید نیز به این اصل بارها اشاره شده است؛ از جمله:

(... و حیات جاودانه این است که برای خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی

بشناسند.) (انجیل یوحنا باب هفدهم آیه ۳ ط. ل)

(... و یکی از کاتبان... از او پرسید که اول همه احکام کدام است. عیسی او را جواب داد که اول همه احکام این است که بشنو ای اسرائیل خداوند خدای ما خداوند واحد است... ) (انجیل مرقس،

باب ۱۲، آیه ۲۹ و ۳۰ ط. ل) ۳۰

(... و نیست شایسته به غیر از خدای یگانه... ) (انجیل متی، فصل شصت و یکم، صفحه ۱۱۰ خ)

(نوشته شده است که برای پروردگار معبود خود سجده کن و برای او تنها عبادت کن.) (انجیل لوقا، فصل ۱۱، باب ۴، صفحه ۱۸۶)

و در مقدمه (انجیل یوحنا) چنین آمده است:

(به نام... خدای یگانه انجیلی...)

و در فصل دوازدهم صفحه ۲۵۶ از همین انجیل چنین آمده است:

(... و طلب نمی کنید بزرگی را از خدای یگانه...)

و در سایر بخشهای عهد جدید نیز چنین آمده است:

(... پس درباره خوردن قربانیهای بتها می دانیم که بت در جهان چیزی نیست، و اینکه خدای

دیگر جز یکی نیست. زیرا هر چند هستند که به خدایان خوانده می شوند، چه در آسمان و چه در

زمین، چنانکه خدایان بسیار و خداوندان بسیار می باشند. لکن ما را یک خدا است... ) (رساله اول

پولس رسول بقرنتیان، باب هشتم، آیه ۵ تا ۷، صفحه ۲۷۳ ط. ل.)

رگه های شرک و ناهمسازی با توحید

به رغم تعابیر توحیدی که از انجیل ها آوردیم، در موارد دیگری از این کتابها، سخنانی ناهمساز و

شرک آلود دیده می شود:

(... و شناخته ایم که تو مسیح پسر خدای حی هستی.) (انجیل یوحنا، باب ششم، آیه ۷۰، صفحه

۱۵۶، ط. ل.)

(من و پدر (خدا) یک هستیم... و یقین کنید که پدر در من است و من در او.) (انجیل یوحنا، باب

دهم، آیه ۳۱ و ۳۹، صفحه ۱۶۵ ط. ل.)

(او گفت بلی ای آقا من ایمان دارم که تویی مسیح پسر خدا که در جهان آینده است.) (انجیل یوحنا،

باب یازدهم، آیه ۲۷، صفحه ۱۶۶، ط. ل.)

(... آیا باور نمی کنی که من در پدر هستم و پدر در من است... مرا تصدیق کنید که من در پدر

هستم و پدر در من است.) (همان، باب چهارم، آیه ۱۰ و ۱۱، صفحه ۷۳)

(به نام پدر و پسر و روح پاک خدای یگانه انجیلی) (مقدمه انجیل یوحنا، صفحه ۲۴۵، خ)

و مانند این اعتقاد در عهد جدید فراوان دیده می شود. این همان مسئله تثلیث و یکی از اصول

اساسی مسیحیت است که خود کلافه سردرگمی است که ارباب کلیسا را به وادی عجز کشانده

است. (کری ولف) در این زمینه می نویسد:

(... باید گفت که روابط غیرقابل فهم بین اعضای تثلیث نیز، یعنی خدای پدر(اب) و خدای پسر

(ابن) و خدای روح القدس به عقل نمی گنجد. این مسئله به خصوص همیشه الهیون را دچار

سردرگمی کرده است. بنابر تعالیم کلیسا خدا واحد و یگانه است، لیکن در عین حال در وجود (سه

شخص) از هم جدایی نپذیرند، زیرا تثلیث، غیرقابل تقسیم و لاینفک است، ولی در عین حال هر

یک از اجزای تثلیث بالاستقلال وجود دارند.) ۳۲

ویلیام م. میلر دانشمند مسیحی در این زمینه چنین می نویسد:



(... این اناجیل با یکدیگر تناقض ندارند! بلکه مکمل یکدیگر هستند و مانند چهار عکس می باشند که از یک شخص در چهار جهت مختلف گرفته شده باشند. اکنون می دانم که مایلید بپرسید: در صورتیکه خدا واحد است چگونه امکان دارد که عیسی مسیح پسر خدا بوده و با خدا یکی باشد؟ در واقع این موضوع از اسراری است که فهم آن بالاتر از عقل محدود ما می باشد. چه کسی غیر از خود خدا می تواند به ذات و ماهیت الهی پی ببرد؟) ۳۳

عجز استدلالی در این کلام به خوبی نمایان است و وارد شدن در اصل مسئله تثلیث، خود مجالی ویژه می طلبد که ما اکنون به همین مختصر اشاره بسنده کرده و از آن می گذریم. و فقط آیه ای را از قرآن کریم در این خصوص یادآور می شویم:

(یا اهل الكتاب لاتعلوا فی دینکم و لاتقولوا علی الله إلا الحق إنما المسيح عیسی بن مریم رسول الله و کلمته ألقیها إلی مریم و روح منه فآمنوا بالله و رسله و لاتقولوا ثلاثة انتهوا خیراً لکم إنما الله إله واحد سبحانه أن یكون له ولد له ما فی السموات و ما فی ال ارض و کفی بالله وکیلاً) نساء/ ۱۷۱

ای اهل کتاب [مسیحیان]! در دین خویش غلو نکنید و درباره خدا جز سخن حق مگویید. همانا، عیسی پسر مریم، پیامبر خدا و کلمه او بود که به مریم القا شد و روحی از او بود. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و مگویید که سه چیزند، از این اندیشه ها باز ایستید که خیرش ما در آن خواهد بود. همانا خدا، معبودی یکتاست و از داشتن فرزند منزّه است، از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است و خدا کارسازی را کافی است.

تولد عیسی(ع) به روایت قرآن

بخشی از سوره مریم به داستان ولادت عیسی (ع) می پردازد، که با این آیه آغاز می شود:

(واذکر فی الكتاب مریم إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً... ) مریم/ ۱۶ - ۳۰

ترجمه آیات این بخش چنین است:

در این کتاب مریم را یادکن، آن گاه که از خاندان خویش در مکانی رو به سوی برآمدن آفتاب دوری گزید.

میان خود و آنان پرده ای کشید و ما روح خود را نزدش فرستادیم و چون انسانی تمام بر او نمودار شد، مریم گفت: از تو به خدای رحمان پناه می برم، که پرهیزگار باشی.

گفت: من فرستاده پروردگار تو هستم، تا تو را پسری پاکیزه ببخشم.

گفت: از کجا مرا فرزندی باشد، حال آن که هیچ بشری به من دست نزده است و من بدکاره نبوده ام.

گفت: پروردگار تو این چنین گفته است: این برای من آسان است. ما آن پسر را برای مردم آیتی و بخشایشی قرار دهیم و این کاری است که بدان حکم رانده شده.

پس به او آبستن شد و او را با خود به مکانی دورافتاده برد.

درد زاییدن او را به سوی تنه درخت خرما کشانید. گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و از یادها فراموش شده بودم.

کودک از زیر او ندا داد: اندوهگین مباش. پروردگارت از زیر پای تو جوی آبی روان ساخت. نخل را بجنیان تا خرمای تازه چیده برایت فرو ریزد.  
پس ای زن، بخور و بیاشام و شادمان باش و اگر از آدمیان کسی را دیدی بگوی: برای خدای رحمان روزه نذر کرده ام و امروز با هیچ بشری سخن نمی گویم.  
کودک را برداشت و نزد قوم خود آورد. گفتند: ای مریم، کاری زشت کرده ای! ای خواهر هارون، نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زنی بدکاره!  
[مریم] به فرزند اشاره کرد. [مردم] گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن گوئیم؟  
کودک گفت: من بنده خدایم، به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است.

تولد عیسی به روایت عهد جدید

(اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود، قبل از آن که با هم آمیزند او را از روح القدس حامله یافتند. و شوهرش یوسف (نجار) چون که مرد صالح بود و نخواست او را عبرت نماید، پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند. اما چون او در این چیزها تفکر کرد، ناگاه فرشته خداند در خواب بر وی ظاهر شده گفت ای یوسف پسر داود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا که آنچه در وی قرار گرفته است از روح القدس است. و او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد، زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خ واهد رهانید.  
و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند بر زبان نبی گفته بود تمام گردد. که اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را عما نوئیل خواند که تفسیرش این است:  
خدا با ما. پس چون یوسف از خواب بیدار شد، چنانکه فرشته خداوند به او امر کرده بود به عمل آورد و زن خویش را گرفت. و تا پسر نخستین خود را زایید او را نشناخت و او را عیسی نام نهاد.)  
(انجیل متی، باب اول، آیه ۱۸ تا ۳۵، ط. ل، صفحه ۱ و ۲ عهد جدید)  
و نیز در انجیل لوقا چنین می خوانیم:

(... و در ماه ششم، جبرائیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره نام داشت فرستاده شد، نزد باکره نامزد مردی مسمی به یوسف از خاندان داود، و نام آن باکره مریم بود.  
پس فرشته نزد او داخل شده گفت سلام بر تو ای نعمت رسیده. خداوند با تو است و تو در میان زنان مبارک هستی. چون او را دید از سخن او مضطرب شده متفکر شد که این چه نوع تحیت است. فرشته بدو گفت ای مریم ترسان مباش، زیرا که نزد خدا نعمت یافته ای. اینک حامله شده پسری خواهی زایید و او را عیسی خواهید نامید. او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی مسمی شود و خداوند تخت پدرش داود را بدو عطا خواهد فرمود. و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاه ی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود.  
مریم به فرشته گفت، این چگونه می شود و حال آن که مردی را شناخته ام. فرشته در جواب وی گفت، روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند، از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد.)

نقطه های اشتراک داستان ولادت عیسی (ع)

چنانکه پیدا است با مقایسه بین دو متن قرآن کریم و انجیل، به نقاط مشترکی برمی خوریم:

یک. ظهور فرشته جبرائیل در مقابل مریم (ع) و بشارت به حمل عیسی (ع).

دو. باکره بودن مریم (ع).

سه. ترس و اضطراب مریم (ع) هنگام دیدن فرشته.

چهار. پدر نداشتن عیسی (ع).

بیادکرد موارد اختلاف نیز ضروری است، که از قرار زیر هستند:

الف. نامزد بودن مریم (ع) برای شخصی به نام یوسف نجار.

ب: پسر خدا خواندن عیسی (ع).

قرآن کریم به هر دو مورد اشاره نموده و ردّ می کند:

(... و لم یمسسنی بشر...)

(ماکان لله أن یتخذ من ولد سبحانه...)

با توجه به اطلاقی که از نکره (بشر) در سیاق نفی (لم یمسسنی) در آیه نخست استفاده می شود، با

ملاحظه عنایتی که در مفردات آیه شریفه (مس... ) دیده می شود، وجود هرگونه همسری برای

مریم (ع) از دیدگاه قرآن مجید، منتفی اعلام شده است.

و اما فرزند خدا خواندن عیسی (ع) از موارد اساسی اختلاف میان انجیل و قرآن است که قرآن کریم

همچنان که در آیه دوم دیده می شود، بارها با شدیدترین لحن آن را نفی کرده و عیسی را بنده و

پیامبر الهی شناسانده است.

شایسته است در این زمینه به فرازهایی از انجیل برنابا که شباهت بسیاری با سخن قرآن کریم دارد و

از انجیلهای غیررسمی است ۳۴، اشاره ای داشته باشیم:

(هرآینه به تحقیق، برانگیخت خدای در این روزهای پسین، جبرئیل فرشته را به دوشیزه ای که

نامیده می شد مریم، از نسل داود از سبط یهودا. در بینی که بود این دختر که زندگانی می کرد به

هر پاکی بدون هیچ گناهی، و منزّه بود از ملامت، و ملازم نماز بود با روزه، همانا یک روزی تنها بود

که ناگاه فرشته جبرئیل داخل شد بر بستر او و سلام داد به او. گفت خدای باد با تو ای مریم! پس

ترسید آن دختر از ظهور آن فرشته. و لیکن آن فرشته فرونشاند ترس او را و گفت، مترس ای مریم!

زیرا که برخوردار شدی نعمتی را از نزد خدایی که برگزیده تو را، تا این که باشی مادر پیغمبری

که مبعوث می کند او را به سوی شعب اسرائیل، تا سلوک کنند به شریعتهای او به اخلاص.

پس جواب داد عذرا، چطور من می زایم پسران را و من نمی شناسم مردی را! پس جواب داد

فرشته، ای مریم بدرستی که خدایی که ساخت انسان را از غیرانسان، هرآینه قادر است براین که

بیافریند در تو انسانی را از غیرانسان، زیرا که هیچ مجالی نیست نزد او.

پس جواب داد مریم، بدرستی که من دانا هستم به این که خدا قادر است، پس بشود مشیت او. پس گفت فرشته، بارور شو به پیغمبری که زود است او را یسوع بخوانی... (انجیل برنابا، فصل اول، آیه ۹-۱، صفحه ۴۹-۵۰)

و نیز آمده است:

(... اما مریم، چون بود دانا به مشیت خدا و در باطن ترسناک بود از این که به غضب درآید طایفه بر او به واسطه این که آبستن است، پس سنگباران کنند او را که گویا که مرتکب زنا شده، شوهری از عشیره خود برای خود اختیار نمود خوش کردار که یوسف نام داشت.) (انجیل برنابا، فصل دوم، آیه ۱، صفحه ۵۰)

با دقت در متن نقل شده از این انجیل، تناقض آشکاری میان آن و ظاهر قرآن کریم (صرف نظر از روایات وارده در این زمینه) دیده نمی شود، چه آن که آن دو مورد اختلاف که بیان شد در اینجا وجود ندارد. چون اولاً، اشاره ای به فرزند خدا بودن عیسی نشده، همچنان که قسمتهای دیگر این انجیل نیز از این نقیصه دور است. و ثانیاً، ازدواج مریم(ع) با یوسف نجار، پس از باردار شدن وی از فرشته عنوان شده است نه پیش از آن.

پیامبری و رسالت عیسی(ع)

در قرآن می خوانیم:

(... و رسولاً الی بنی اسرائیل اَنی قد جئتکم بآیه من ربکم... ) آل عمران / ۴۹

( قال اِنی عبدالله اتانی الکتاب و جعلنی نبیاً ) مریم / ۳۰

و بسیاری آیات دیگر که در آنها به پیامبری و رسالت عیسی(ع) تصریح شده است.

در انجیل نیز از آن شخصیت بزرگ الهی در چند مورد با همین عنوان یاد شده است:

(... یعنی این کارهایی که من می کنم بر من شهادت می دهد که پدر، مرا فرستاده است، و خود

پدر که مرا فرستاد به من شهادت داده است که هرگز آواز او را نشنیده و صورت او را ندیده اید. و

کلام او را در خود ثابت ندارید، زیرا کسی را که پدر فرستاد، شما بدو ایمان نیاوردید.)

(انجیل یوحنا، باب پنجم، آیه ۳۶ تا ۳۸، صفحه ۵۲، ط . ل)

و نیز در همین انجیل چنین می خوانیم:

(... عیسی در جواب ایشان گفت، عمل خدا این است که به آن کسی که او فرستاد ایمان بیاورید.)

(همان، باب ششم، آیه ۲۹، صفحه ۱۵۴)

همچنین در مواردی دیگر از همین انجیل از آن جمله در باب هفتم، آیات ۱۷، ۲۹ و ۳۴ و باب

هشتم، آیات ۱۶، ۳۹ و ۴۳، و باب نهم، آیه ۴ و باب شانزدهم آیه ۵ به همین موضوع تصریح شده

است.

از سوی دیگر بارها در بخشهایی از انجیل به اتحاد عیسی(ع) با ذات ربوبی! اشاره شده که برگرفته از

عقیده تثلیث از اصول اساسی مسیحیت است:

(... من و پدر یک هستیم... ) (انجیل یوحنا، باب دهم، آیه ۳۰، صفحه ۱۶۵، ط . ل)

... آیا باور نمی کنی که من در پدر هستم و پدر در من است. سخنهایی که من به شما می گویم از خود نمی گویم، لکن پدری که در من ساکن است، او این اعمال را می کند. مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم و پدر در من است... ) (همان، باب چهاردهم، آیه ۱۰ و ۱۱، صفحه ۱۷۳)

اکنون حل مسئله رسالت و اتحاد در مورد عیسی(ع) همچون مسأله تثلیث بر عهده ارباب کلیسا است و شاید آنان این معضل را نیز همانند عقیده به تثلیث با احاله به مجهول و این که این از دایره درک عقلانی بیرون است پاسخ خواهند گفت.

نشانه های پیامبری عیسی(ع)

در قرآن کریم آمده است:

... أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفِخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَ أَحْيِ الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ ... ) آل عمران / ۴۹

برای شما از گل، چون شکل مرغی می سازم، پس می دمم در آن و به اذن خدا پرنده ای شده (به پرواز در می آید) و کور مادرزاد و پیس (جذام) را بهبود می بخشم و مردگان را با اذن الهی زنده می سازم.

در انجیلهای چهارگانه نیز به شکل گسترده ای به معجزه های این پیامبر عظیم الشأن اشاره شده است که از نظر مصداق، کم و بیش، همانند قرآن کریم است:

... چون فرود آمد یسوع از کوه، متابعت او کردند جمعی کثیر. در این وقت کسی که مبتلا به برص بود آمد به خدمت او... پس دراز کرد یسوع دست خود را و مالید به او و گفت: خواستم پاک شدن تو را، پس پاک شو. همان وقت پاک شد از برص...)

(انجیل متی، فصل پانزدهم، باب هشتم، صفحه ۸۱، ت. خ)

و نیز در فصل بیست و پنجم همین انجیل، چنین می خوانیم:

... و چون بیرون رفت یسوع از آن خانه، از عقب او دو نابینا بیرون آمدند و فریاد می کردند که رحم کن بر ما ای پسر داود، چون داخل خانه شد، آمدند نزد او. و گفت یسوع که شما اقرار دارید به این که من می توانم چشم شما را شفا داد، گفتند: بلی ای پروردگار، در این وقت دست مالید بر چشمهای ایشان و گفت: به علت ایمانی که دارید به من، چشم شما بینا می شود، پس بینا شد چشم ایشان.) (همان / ۸۶)

و در فصل سی ام نیز آمده است:

... جواب گفت یسوع که بروید و اعلام کنید به یوحنا آنچه دیده و شنیده اید که کوران را بینا کرده ام، و گروه لنگ را به نحوی شفا داده ام که راه می روند، و مبروصین را از برص پاک کرده ام، و کران را شفا داده ام که می شنوند، و مردگان را زنده کرده ام به نحوی که برمی خیزند...)

تفاوت عمده ای که در این خصوص بین قرآن کریم و انجیل دیده می شود، این است که در قرآن، مقید به (اذن الله) شده و در انجیل بسته به اراده شخص عیسی(ع) دانسته شده: (خواستم پاک

شدن تو را). و این خود حکایت از اختلاف بنیادین خداشناسی و پیامبرشناسی قرآن و انجیل دارد که اولی تصریح به توحید و یکتاپرستی دارد و دومی پندار چندگانه پرستی را در خیال می پروراند.

۱. کری ولف، درباره مفهوم انجیلها، ترجمه محمد قاضی، ۱۰.
۲. ر. ک: علی آل اسحاق خوئینی، مسیحیت، ۳۳۲ و ۳۳۳.
۳. مهندس جلال الدین آشتیانی، تحقیقی در دین مسیح، ۱۴.
۴. مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ۷۸۴.
۵. محمد حسین کاشف الغطاء، پژوهشی در باره انجیل و مسیح، ترجمه سید هادی خسروشاهی، ۲۴۱.
۶. یوسف فضائی، سیر تحولی دینهای یهود و مسیح، ۲۵۸.
۷. فلسین شاله، تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه خدایار محبی، ۴۵۲.
۸. اینارمولند، جهان مسیحیت، ترجمه محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، ۷۰.
۹. دکتر عزت الله نوذری، مسیحیت از آغاز تا عصر روشنفکری، ۵۲ و ۵۳.
۱۰. مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ۷۴۶.
۱۱. عبد الأحد، الانجیل و الصلیب، ۱۴؛ مقارنات الادیان، ۱۳۸ / ۲.
۱۲. کری ولف، درباره مفهوم انجیلها، ترجمه محمد قاضی، ۷۷ و ۷۸.
۱۳. علی آل اسحاق خوئینی، مسیحیت، ۳۸۲.
۱۴. ولیم ادی، کنز الجلیل فی تفسیر الانجیل ۱ / ۳.
۱۵. جان ناس، تاریخ جامع الادیان، ۳۸۳.
۱۶. مهندس جلال الدین آشتیانی، تحقیقی در دین مسیح، ۱۴.
۱۷. ویلیام م. میلر، مسیحیت چیست؟ ترجمه کمال مشیری، ۲۴ و ۲۵.
۱۸. علی آل اسحاق خوئینی، مسیحیت، ۳۳۱.
۱۹. مهندس جلال الدین آشتیانی، تحقیقی در دین مسیح، ۳۱.
۲۰. کارل کائوتسکی، بنیادهای مسیحیت، ترجمه عباس میلانی ۱ / ۲۴.
۲۱. کری ولف، درباره مفهوم انجیلها، ترجمه محمد قاضی، ۴۴.
۲۲. همان، ۴۹.
۲۳. فلسین شاله، تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه خدایار محبی، ۴۰۴.
۲۴. ویل دورانت، قصه الحضارة ۱۱ / ۳۱۵.
۲۵. تاریخ کلیسای قدیم، ۷۸.
۲۶. علی آل اسحاق خوئینی، مسیحیت، ۳۳۳ و ۳۳۴.
۲۷. شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا(ع)، چاپ ۱۳۷۷ هجری قم، ۱ / ۱۵۴ - ۱۷۸، نقل از: محمد حسین کاشف الغطاء، پژوهشی درباره انجیل و مسیح، ترجمه سید هادی خسروشاهی، ۷۰.
۲۸. کری ولف، درباره مفهوم انجیلها، ترجمه محمد قاضی، ۲۰ و ۲۱.

۲۹. دکتر بوکای، عهدین قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، ۱۰۷.  
۳۰. ط. ل. منظور از این حروف اختصاری، ترجمه کتاب مقدس طبع دارالسلطنه لندن سنه ۱۹۱۴ م است.

۳۱. (خ) رمز (ترجمه اناجیل اربعه) ترجمه، تعلیقات و توضیحات: میر محمد باقرین اسماعیل حسینی خاتون آبادی (۱۰۷۰ - ۱۱۲۷ هـ. ق) به کوشش رسول جعفریان است.

۳۲. کری ولف، درباره مفهوم انجیلها، ترجمه محمد قاضی، ۱۷.

۳۳. ویلیام م. میلر، مسیحیت چیست؟ ترجمه کمال مشیری، ۴۷.

۳۴. این انجیل با شماره الف ۲۲۵ الف ۸۶۷ در کتابخانه آستان قدس رضوی ثبت شده است در پشت جلد آن چنین می خوانیم:

(بسم الله تعالی شأنه العزیز) (کتاب مقدس انجیل برنابا) ترجمه حضرت مستطاب... آقای حیدر قلیخان قزلباش معروف به سردار کابلی، و در مقدمه آن در مورد اصالت این انجیل چنین آمده است: (... واینکه می گویند در قرن پانزدهم یا شانزدهم این انجیل (برنابا) تألیف شده نیز حدسی است رجماً بالغیب و بر آن دلیلی و حجتی قائم نیست، مگر یگانه گناهی که می توان براین انجیل اثبات نمود، همانا که مخالفت آن است با انجیلهای چهارگانه معروف در اصول دیانت، و الا چنانچه در مجلد دوم از دایرة المعارف انگلیسی، طبع سیزدهم، صفحه یکصد و هشتادم، در م اده (اپوکریفل ستریچر) تصریح شده به انجیل برنابا و صدور فرمان جلاسیوس اول در نهی از مطالعه آن و تاریخ جلوس جلاسیوس اول بر تخت پاپیت سنه چهارصد و نود و دو مسیحی بوده، یعنی یکصد و سی سال از قبل تاریخ هجرت، یا یکصد و هیجده سال قبل از بعثت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله، و چه دلیلی می توان اقامه نمود براینکه این انجیل عین همان انجیل برنابا نباشد که جناب پاپ مذکور از مطالعه آن نهی فرموده.)

دراین انجیل دهها بار از پیامبر اسلام با اسم یادشده و بشارت به آمدن وی داده است. برای دستیابی بیش تر به اصالت و پیشینه این انجیل می توان به مقدمه تفصیلی آن و نیز کتابی که در همین خصوص نگاشته شده و در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است مراجعه کرد.